

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش :

امین الدین (سعیدی - سعید افغانی)
ودکتور صلاح الدین (سعیدی - سعید افغانی)

بسم الله الرحمن الرحيم

نکاح در اسلام

رهنمود مشورتی برای عقد نکاح

۲

مراسم شهادت شاهدان:

دو نفر شاهد بعد از اخذ موافقه و نظر عروس در مورد تعیین وکیل «مهر و نفوس» به محل اجتماع حاضران مراسم عقد نکاح مراجعه نموده و منتظر ادای شهادت در برابر امام و حاضران منتظر شهادت، هستند. قاضی یا امام در ابتداء به شاهدان خوش آمدید گفته (و مطابق عرف افغانی) از شاهد اول می پرسد: از کجا آمده اید؟

شاهد اول:

بعد از بسم الله الرحمن الرحيم

آغاز به ادای شهادت می نماید: و در جواب سؤال امام که از کجا آمده است؟ می گوید از شهر وکالت.

قاضی یا امام ادامه داده می گوید و می پرسد:

چه آورده اید؟ شاهد اولی می گوید:

حکم وکالات

قاضی یا امام می گوید: لطفاً آنرا بیان کنید.

شاهد می گوید: بسم الله الرحمن الرحيم

متن دری: اینجانب (...نام شاهد.....) أشهد شاهی می دهم به خاطر خدا نه از روی ریاء : المسمات بی بی (...نام عروس - منکوحه.....) بنت (محترم) که به این نام و نسب دیگر دختری ندارد ، وکیل مهر و

نفس خویش محترم (.....نام وکیل مهر و نفس - اگر از جانب شاهد به وکیل مهر و نفس که در نشست حاضر است به دست نیز اشاره شود بهتر است) را تعیین نموده است.

متن پشتو /پښتومتن: بعد له بسم الله نه داسي وايي: زه (... د شاهد نوم) په صداقت سره - اشهد و شاهدی ورکوم دالله لپاره، نه د ریا لپاره چې پیغلي (.....د ناوی نوم) د (.....) لور چې په دی نوم او نسب بل لور نه لری، خپل(کاکا، ماما، مشر ورور.....) بناغلی (..... دوکیل نوم.....) د محترم (...د شاه نوم ...) د (.....) زوی سره د صحیح، شرعی او قانونی نکاح د ترلو په هکله او د مهر د تعیین په برخه کې خپل شرعی وکیل د مهر او نفس انتخاب او ټاکلی دی.

قاضی یا امام روی به طرف شخصی که نامش از جانب شاهد اول به حیث «وکیل مهر و نفس» ذکر گردیده است و قبلاً در نزدیک امام یا قاضی جا به جا گردیده است می پرسد: شما این وکالت را قبول دارید؟
وکیل مهر و نفس می گوید:

بلی من این وکالت را قبول کرده ام.

قاضی یا امام به اخذ شهادت شاهد دوم آغاز می کند و می گوید لطفاً شاهد دوم شهادت دهد!
شاهد دومی حاضر و آغاز به شهادت می کند و به مانند شاهد اولی این شهادت نیز تکمیل می شود.

قاضی یا امام روی به طرف شخصی که نامش (وکیل مهر و نفس) از جانب شاهد دومی هم به حیث «وکیل مهر و نفس» ذکر گردیده می پرسد: شما این وکالت را قبول دارید؟
وکیل مهر و نفس می گوید: بلی قبول کرده ام.

همچنان امام بعد از تعیین وکیل «مهر و نفس» دختر روی به طرف ناکح (شوهر آینده) نموده و می پرسد: محترم (...نام داماد.....) شما که به خاطر عقد نکاح با پیغله بی بی (..... نام منکوحه - عروس ..) بنت (.....) که به این نام و نسب دیگر دختری ندارد و وکیل مهر و نفس خویش را (کاکا، ماما، برادر کلان... خویش) محترم (..... نام وکیل مهر و نفس.....) تعیین نموده است، می خواهید خودتان در این محفل به جواب ایجاب و قبول، بحث و توافق بر مهر بپردازید و یا مانند منکوحه می خواهید برای خود وکیل را تعیین کنید؟

متن اقرار دری و پشتوی ناکح (داماد) برای تعیین وکیل:

متن دری: من (...نام ناکح.....) ولد (.....) در قسمت عقد نکاح صحیح و شرعی خویش با پیغله (...نام عروس...) بنت (.....) که به این نام و نسب دیگر دختری ندارد محترم (کاکا، ماما، برادر کلان...) (..... نام وکیل.....) را به حیث وکیل در قسمت عقد نکاح و تعیین مهر تعیین می نمایم.

متن پښتو/پښتومتن: زه (...د شاه نوم...)

د(.....) زوی د پیغلي (...دناوی نوم) د (.....) لور چې په دې نوم بله لورنه لری د صحیح ، شرعی نکاح د عقداو د مهر د تعیین په برخه کې خپل (کاکا، ماما، مشر ورور.....) محترم (...دوکیل نوم...) د شرعی وکیل به توگه انتخاب او ټاکم.

در صورتیکه شخصی از طرف ناکح برای وکالت تعیین گردد. امام باید از وکیل ناکح هم اقرار را در مورد اخذ نماید که این وکالت را قبول دارند یا خیر؟

امام و عاقد نکاح بعد از تعیین وکیل مهر نفس (منکوحه) و (ناکح) ، در صورتیکه خواسته باشد) بحث خویش روی تعیین مقدار مهر شرعی آغاز می نماید.

مراسم تعیین مهر

اهمیت مسأله تعیین مهر در نکاح

قبل از اینکه در مورد مراسم تعیین مهر مطالبی را خدمت خوانندگان محترم به عرض برسانیم بهتر می دانیم دربدو کمی در مورد تاریخچه مهر روشنی ببندازیم .

حکمت و فلسفه مهر در تاریخ بشریت:

مؤرخان می نویسند، در زمانی که روابط بشری در بین خانواده ها از چندان قوتی برخوردار نبود، ازدواج بین انسانها نوعی تعامل اقوام به شمار می رفت. بنابر همین روحیه بود که ازدواج با هم خون و هم قبیله ممنوع بوده و هر کس برای ازدواج با دختری از قبیله دیگر اقدام خواستگاری می کرد، و برای جلب توجه فامیل دختر به تناسب، زیبایی دختر و مشهور بودن فامیل مبلغی به نام هدیه و مهر پرداخت می گردد. حتی داماد حاضر می شود در بدل ازدواج با دختر مدتی را برای خسر خود کار فزیک می نماید.

بهترین مثال در این مورد ، داستان حضرت موسی علیه السلام می باشد که در قرآن عظیم الشان با زیبایی خاصی بیان گردیده است.

در داستان موسی علیه السلام آمده است: بعد از اینکه موسی علیه السلام از مصر به مداین آمد در بدل ازدواج خویش، مدت ده سال را برای خسر خویش شعیب و طفیفه چوپانی به جا آورد .

به همه حال در زمانه های قدیم اگر پول به نام مهر پرداخت میشد و یا داماد کار فزیک در بدل مهر عروسی خود به عمل می آورد که به این ترتیب این مبلغ و یا جنس نادیده شده به نام مهر و یا کار صورت گرفته به رئیس فامیل تعلق می گرفت و برای دختر یا عروس چیزی نمی رسید.

مهر در اعراب:

قبل از ظهور دین مقدس اسلام بین اعراب نیز رسم و رواج مشابهی در باره مهر زنها جریان داشت. داماد مکلف بود، پول معینی را به پدر دختر و یا رئیس خانواده بپردازد. حتی آنعده از فامیل های اعراب که دختر های خویش را زنده به گور نمی کردند و در خانه های شان دختر متولد میشد، سایرین در تبریکی نوزاد دخترشان می گفتند: « **هنيئاً لك النافجه** » یعنی تولد طفلی که برایت پول می آورد را تبریک می گویم. این بدین معنا بود که پدران شان از ازدواج دختران شان پول به دست می آوردند ، با تأسف باید بگویم که همین خرافات دوران جاهلیت تا هنوز در برخی از مناطق کشور ما افغانستان نیز در جریان است و به تأسف نام آنرا مراسم اسلامی نیز میگذارند .

اسلام و مسأله مهر:

همانظوری که ملاحظه نمودیم که مهر در نکاح (*) دختر اختراع دین مقدس اسلام نبود، بلکه دین مقدس اسلام برای خانواده و ازدواج و به خصوص مهر قانون انسانی را وضع کرد ، و مهر را حق قانونی زن یعنی عروس اعلام داشت ، و قرآن عظیم الشان با صراحت اعلام داشت:

« **واتوا النساء صدقاتهن نحلة فان طين لكم عن شي منه فكلوه هنياً مرئياً** » (نساء آیه : ۴) (ومهریه های زنان را به عنوان هدیه ای خالصانه و فریضه ای خدایانه بپردازید. پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود را به شما بخشیدند ، آن را (دریافت دارید و) حلال و گوارا مصرف کنید).

خواننده محترم!

طوری‌که ملاحظه فرمودید، دین مقدس اسلام و شرعیت غرای محمدی، مهر را حق زن دانست و آنرا به زن متعلق ساخت، و گفت که پدر و یا ولی دختر و حتی شوهر حق تصرف در مهر را ندارد و مهر حقی است که زن بر مرد دارد، و زن مالک آن است و برای هیچ کسی حلال نیست، خواه پدر باشد یا غیر پدر چیزی از آنرا برای خود بردارد مگر اینکه زن بر اینکار راضی باشد.

مهریه، یکی از حقوق مالی زن در نظام خانواده است. دین مقدس اسلام این حق را به طور دقیق و عملی تنظیم نمود.

مهر زن بر عهده مرد است و زن بر اثر ازدواج، مالک و صاحب آن می‌شود پس می‌تواند آن را از شوهر خویش مطالبه کند. و به اختیار خود در آن مال تصرفات را به عمل آورد، استقرار این مالکیت نسبت به تمام مهر منوط به وقوع نزدیکی است، به عباره دیگر نزدیکی (مجامعت) شرط مالکیت زن نسبت به مهر است. برخی از فقها و حقوق دانان بر این عقیده اند که مهر عبارت از مالی است که بر موجب عقد نکاح، مرد ملزم به پرداخت آن به زوجه می‌گردد. اگرچه مرد و زن با رضاء و رغبت خود عقد را منعقد می‌سازند، اما قانون مترتب بر آن مهر را معین می‌کند. پرداخت مهر قبل از همه يك مكلفیت دینی و قانونی است. این درست است که عقد به رضاء و رغبت خود صورت می‌گردد؛ اما الزامات و تکالیف دینی و قانونی آنطوری که قانون معین نموده است، صورت می‌پذیرد. و قانون گذار نیز ضمانت اجراء و تطبیق این تکلیف را با توجه به نوع عقد و خصوصیت آن و اهمیت عوضین در آن معین کرده است. واجب نیست که تمام مهریه به هنگام عقد ازدواج فوراً پرداخت شود، بلکه جایز است که تمام مهریه یا قسمتی از آن به صورت قرض و دین باشد، و یا به شیوه اقساطی پرداخت گردد و زن بالغ و عاقل و دارای رشد فکری می‌تواند بعد از عقد ازدواج، شوهرش را از تمام مهریه و یا مقدری از آن تبرئه و حلال کند.

انواع مهر :

در شریعت حداقل وحد اکثری برای مهر در نظر گرفته نشده ولی کم بودن و زیاده روی نکردن در آن مورد تشویق قرار گرفته است تا ازدواج به آسانی امکان پذیر باشد و جوانان به خاطر مهر و مخارج زیاد آن از ازدواج روی نگردانند. مهر را می‌توان به طور نقد یا نقد و قسط یا تمام قسط عند المطالبه پرداخت کرد، برای مرد جایز است قبل از آنکه مهر را پرداخت کند با همسرش آمیزش نماید، اگر مقدار مهریه معین نشده، مهر المثل و اگر معین شده باشد پرداخت مقدار تعیین شده بر مرد واجب است، و از عدم وفا به شروط عقد جداً خود داری نماید، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«أحق ما أوفيتم من الشروط، أن توفوا به ما استحللتم به الفروج» (سزاوارترین شروطی که باید به آن وفا کنید شروط نکاح است).

(امام بخاری ۹-۲۱۷-۵۱۵۱)، (مسلم ۱۴۱۸-۱۰۳۵-۲)، (سنن ابو داود ۲۱۲۵-۱۷۶-۶).

مهر:

فقها در تعریف مهر می گویند: مهر عبارت از مالی است که به مجرد عقد نکاح برای زن لازم می شود. مهر در مقابل تمتع شوهر حق خالص زن به شمار می رود.

و بر دو قسم تقسیم میگردد.

۱- مهر مسمی: (مهری که در وقت عقد نکاح تعیین شود (خواه نقد باشد و یا جنس).

۲- مهر مثل: (عبارت از آن اندازه مالی است که به زن مماثل این زن از قوم پدری او پرداخته شده باشد).

مماثلت دوزن در چیزهای ذیل معتبر است:

سن، جمال، عقل، مال، عفت، دیانت، علم، بکارت، و یا بیوه گی همچنین مماثل بودن او صاف زوج معتبر است. پس اگر شوهر یک زن دارنده اوصاف خوبی باشد که شوهر زن دیگر آن اوصاف را نداشته باشد در آنصورت مماثلت بین دوزن وجود ندارد.

مهر مثل در آنصورت لازم می گردد که اندازه مهر در حین عقد نکاح تعیین و از آن نام نبرده باشند و یا هم مهر را قصداً نفی کرده باشند، در هر دو صورت مهر مثل لازم می گردد. چیزهایی که دارای قیمت باشند مثل زمین، باغ، کالا، جواهر، حیوانات و غیره که صلاحیت مهر را دارند به شرطی که قیمت آن کمتر از ده درهم شرعی که حداقل مهر است نباشد.

تعیین مقدار مهر به اختیار زوجین و یا وکیل شرعی شان، است به هر اندازه ای که اتفاق جانبین حاصل گردد.

ولی مهر باید از ده درهم شرعی کمتر نباشد. در صورت کمتر نکاح صحت و جواز دارد.

مهر حق زن است زیرا به قوامت مرد بر خود راضی می شود. ولی طوریکه گفته شد، مهر زن نباید سنگین باشد پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: «**خیرالنساء احسنهن وجوهاً وأرخصهن مهرأً**» (بهترین همسر، زنی است که از همه خوب روتر و کم مهریه تر باشد).

در حدیث شریف از انس بن مالک روایت است:

که عبد الرحمن بن عوف نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آمد در حالیکه آثار زردی (زعفران یا حنا) بر او دیده می شد، پیامبر صلی الله علیه و سلم از حال او پرسید، (عبد الرحمن بن عوف) در جواب گفت که با زنی از انصار ازدواج کرده است.

پیامبر صلی الله فرمود: چقدر مهریه برایش قرار داده ای؟ گفت به اندازه وزن یک خسته خرما طلا، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: ولیمه بده اگرچه گوسفندی باشد. (بخاری ۵۱۵۳-۲۲۱-۹)، (مسلم ۱۴۲۷-۱۰۴۲-۲)

همچنان در حدیث از سهل بن سعد روایت است:

«به همراهی جماعتی در خدمت پیامبر صلی الله علیه و سلم بودم که ناگهان زنی بلند شده و گفت: ای رسول خدا! خودم را به شما بخشیدم، نظرت را در این باره بگو، پیامبر صلی الله علیه و سلم، جوابی به او نداد، بار دیگر آن زن بلند شد و گفت: ای رسول خدا! خودم را به شما بخشیدم، نظر شما چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم جوابی به او نداد.

سپس آن زن برای بار سوم بلند شد و گفت: ای رسول خدا! خودم را به شما بخشیدم، نظر خود را در این باره بگو، در این هنگام مردی بلند شد و گفت: ای رسول خدا او را به ازدواج من در آورد، پیامبر صلی الله علیه و سلم به آن مرد فرمود:

آیا چیزی داری (که به عنوان مهریه به او بدهی)؟ گفت: نه، پیامبر صلی الله علیه و سلام فرمود: برو و چیزی پیدا کن اگر چه انگشتی از آهن باشد، آن مرد رفت و به جست و جو پرداخت سپس برگشت و گفت: هیچ چیزی نیافتم حتی انگشتی آهنی، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: آیا از قرآن چیزی حفظ داری؟ آن مرد گفت: سوره فلان و فلان را حفظ دارم، پیامبر (ص) فرمود برو با (مهریه) قرآنی که از حفظ داری اورا به ازدواج تو در آوردم (۳) (بخاری ۹-۲۰۵-۵۱۴۹) (مسلم ۲-۱۰۴۰-۱۴۲۵).

جهیز:

عادت چنان است که خود عروس یا خانواده اش ضروریات منزل اورا فراهم می کنند و این روش بدان جهت معمول گردیده است تا به مناسبت زفاف خود خرسند باشد و ثابت گردیده که پیامبر اسلام به فاطمه (رض) بستره ای جهیز داده است. اما باید دانست که مسؤول حقیقی تهیه تمام ضروریات منزل، شوهر می باشد. معمولاً چنین است که بعد از تعیین مقدار مهر، مهر به سه حصه و قسمت تقسیم گردیده و از جمله يك حصه آن جهت سهولت به حیث مهر معجل (مهری که قبل از شب زفاف پرداخته می شود) و دو حصه دیگر آن به حیث مهر مؤجل مسمی گردد که در دین و به عهده ناکح بوده و باید بعداً پرداخته شود. اگر عدد تاق باشد به فال نیک حساب می شود. حکم شرعی نیست.

وظیفه وکیل مهر و نفس دختر:

وکیل مهر و نفس دختر بعد از شهادت شاهد دوم به نمایندگی قانونی و شرعی (وکیل مهر و نفس) دختر در مورد مهر آغاز به صحبت نموده، روی به طرف داماد (ویا وکیل وی) نموده و می گوید: چه چیزی در مهر دختر می گذارید؟

در صورت بروز اختلاف و یا هم پیش آمد غیر مترقبه امام یا قاضی باید مداخله کند و به مهارت خاصی مشکل به وجود آمده را حل و فصل کند و بگوید حد اقل مهر شرعی ده درهم شرعی است و استدلال خویش را به این حدیث مستدل سازد: (از شعبی به نقل از امام علی (رض) روایت می نماید که رسول الله صلی فرموده است «لایکون مهر اقل من عشرة الدراهم» و یا هم به روایت جابر «لا صدقه دون عشرة الدراهم» که هدف از آن مهر شرعی ده درهم است (تفسیر قرطبی جلد ۵ صفحه ۱۲۹) ولی حالا شرایط فرق کرده است و مطابق به فرموده پیامبر اسلام: «خیر النساء احسنهن وجوهاً وأرخصهن مهوراً» (بهترین همسر، زنی است که از همه خوب روتر و کم مهریه تر باشد). و انشا الله به يك نتیجه خواهیم رسید.

در صورت بروز اختلاف امام مسأله را به شکلی از اشکال به حاضران مجلس هم محول و وساطت حاضران به خصوص اهل خبره، و دانشمندان و ریش سفیدان حاضر در مجلس، را نیز جلب نماید. با تأسف باید گفت که بعضی اوقات در تعیین مقدار مهر در افغانستان حوادثی پیش آمده است که محافل عقد نکاح به محافل دشمنی ها مبدل گردیده است، آنان مقام انسانی و روابط عالی انسانی و مفهوم تشکیل خانواده و مستقبل زندگی عروس و داماد را فراموش نموده و همه این روابط را در مقدار مهر و امور مادی جست و جو می نمایند. تجارب نشان داده است، که اگر امام یا قاضی در بروز همچو حالات، توجه، ابتکار و هوشیاری لازم به خرج ندهد، در زیادت از این نوع حوادث امور عقد نکاح هم به خطر مواجه می گردد.

امام یاقاضی باید در تعیین مقدار مهر بسیار مهارت را به خرج دهد و در ضمن در مورد مقام و منزلت زن که آنرا نمی توان به مقدار پول مقایسه کرد صحبت و با صراحت تام حکم پروردگار و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم را در مورد بیان دارد .

باید با صراحت بگوید مقام زن و خوشی هر دو جوان آنقدر با ارزش است که به هیچ صورت مادیات جای آنرا گرفته نمی تواند . تعیین مهر به معنی مسأله خرید و فروش زن ، نبوده، بلکه حکمت عظیمی در آن نهفته است. تعیین مقدار مهر یکی از سنت های پیامبر اسلام است که عمل بر آن دارای فواید متعددی می باشد.

مسایل :

زن می تواند از شوهر تا هنگام پرداخت مهر خود را باز دارد ، شوهر تا مهر معجل را نپردازد نمی تواند زن خویش را از سفر و از بیرون شدن از خانه باز دارد .

مهر بر دو قسم است :

- ۱- مهری که در حال (قبل شب زفاف) باید پرداخته شود، آن را مهر معجل می نامند.
 - ۲- مهری که در آینده پرداخته میشود مهر مؤجل می باشد.
- قاضی یا امام بعد از تعیین مهر توسط وکیل «مهر و نفوس» دختر، روی به طرف بچه و یا هم وکیل پسر یا داماد نموده موافقه ایشان را نیز اخذ می دارد .

محارم در امر ازدواج:

امور مربوط به محارم را پروردگار با عظمت ما در (سوره نساء آیات ۲۲ تا ۲۴) به طور دقیق و علمی فرمولبندی نموده است. در این آیات متبرکات از زنانی ذکری به عمل آمده است که ازدواج با آنها حرام است . در روشنی این آیات متبرکه در می یابیم که تحریم به دو نوع تقسیم گردیده است :

- ۱- تحریم ابدی، که در آن ازدواج مرد با زن برای همیشه ممنوع است .
 - ۲- تحریم موقت، که در آن تا زمانی که زن در وضعیت خاصی قرار دارد ، ازدواج با او ممنوع است ولی به محض اینکه این وضعیت تغییر کرد، تحریم از بین می رود و ازدواج با او حلال می شود.
- ادامه دارد

یادداشت:

با عرض پوزش خدمت همکار دانشمند ما آقای "سعیدی" ما به اجازه ایشان این توضیح را که به صورت پاورقی در اصل آورده شده است، بنا بر اهمیت و حجم آن، در اخیر این بحث به مثابه متمم آن خواهیم آورد.

با عرض حرمت

اداره پورتال